

سروان جی. آر. فریر  
 سروان دبلیو. آی. پی. پیکاک رسته تیربار، رسته بهداری  
 سروان ای. ال. رورک مهندسان سلطنتی، رسته بهداری  
 سروان ال. اس. ایلینگ ورث، دارنده نشان امپراتوری بریتانیا، رسته بهداری هنگ  
 منچستر  
 سروان ال. پی. روکوئنت، توپخانه هند، بخش کوهستان  
 سروان جی. دبلیو. دین توپخانه رویال فیلد  
 سروان اچ. اف. کنولی General list عضو طریقت امپراتوری بریتانیا  
 ستوان دی. اچ. تی. پراکتور هنگ یورک و لنکاشایر  
 ستوان ای. ال. نورمن هنگ نورتننز  
 ستوان جی. سی. ماوهود، سواره نظام پیشاهنگ، اداره اطلاعات  
 ستوان کی. والتون، رسته بهداری، تفنگداران لنکشایر

| ۴۵۶۸ ن |

۷

مجلس اعیان

لندن

۵ دسامبر ۱۹۷۳

عالیجناب اسدالله علم

فی الواقع، سعادت بزرگی بود که افتخار دیدار باشما و سخن از روزگاران گذشته دست داد. امیدوارم که شما و سرشاپور [رپورتر] چکیده‌های مناسبی از مکاتبات پدرم<sup>۱</sup> و پدر سرشاپور<sup>۲</sup> را به مناسبت پنجاهمین سالگرد حکومت خاندان پهلوی یافته و جمع‌آوری کنید. من نیز به نوبه خود خوشحال خواهم شد که از طرق ممکنه به شما در این خصوص کمک کنم. حقیقتی که در اینجا رخ می‌نماید این است که یک بار دیگر در تاریخ کهن ایران زمین یک فرد ایرانی میهن‌پرست قیام کرده است تا میهن خود را از خطرات حفظ کند. رضاشاه کبیر، چنین مردی بود و من به خاطر همکاری پدرم با چنین

۱. ژنرال ادmond ایرونساید ۲. اردشیر جی

چهره برجسته‌ای افتخار می‌کنم. امیدوارم یک بار دیگر شما را در انگلستان یا تهران ببینم. از مهربانی و مهمان‌نوازی شما بسیار سپاسگزارم.

ارادتمند، بارون آیرونساید دوّم  
آرخانگل و آیرونساید

[۳۱-۹۸-۱۲۹ الف]

## ۸

### وزارت جنگ

نمره ۵۲۸۴

پیشنهاد وزارت جنگ [رضاخان] به ساحت مقدس مجلس شورای ملی شیداه ارکانه افتتاح مجلس مقدس شورای ملی<sup>۱</sup> را که یکی از آمال دیرینه اینجانب بوده و بدو به خود تبریک می‌گویم و بعد به عموم هموطنان خود و حقیقتاً از اظهار هرگونه شادمانی و شغف قلبی خودداری نمی‌کنم که در پایان دوره‌های فترت و موانع بی‌شمار و مشکلات گوناگونی که عمداً یا سهواً بر ضد اجتماع نمایندگان و عدم افتتاح مجلس شورای ملت حتی در بعضی از محافل رسمی صورت تمرکز به خود گرفته بود امروز خود را با جلسات رسمی و افتتاح قطعی آن مصادف می‌بینم و تصادف می‌نمایم با مقدس‌ترین محفل ملی و تجمع منتخبین و برگزیدگانی که البته از طبقات حساسه منورالفکر ملت و مملکت انتخاب گشته و خود را برای حفظ استقلال و صیانت موقعیت مملکت آماده و مهیا داشته‌اند.

صرف نظر از آثار دوره‌های فترت که عدم تجمع و کلاً را متدرجاً در اذهان ساده لوحان جزو طبیعت ثانوی قرار داده و موانعی نیز که اخیراً با وجود حضور وکلای محترم در مرکز باز راجع به عدم افتتاح پارلمان ایجاد و احداث شده بود خوشبختانه اضمحلال و افناء موانع اخیره را خداوند به دست من مقرر فرمود مرا مجاز می‌دارد که از تصادف با پیشگاه مجلس ملی بالمضاعف اظهار انبساط و شادکامی نمایم.

آری برای من، برای یک سربازی که در زیر لوای شیر و خورشید جای گزیده و حقیقت و عظمت آن پرچم ملی را سرلوحه دفتر وجود و هستی خود قرار داده است، برای یک عنصری که فقط به ملیت خود تکیه کرده و هیچ آرزویی جز خدمت به مملکت ندارد و «برای یک نفر سربازی که خود را هم برای مملکت می‌خواهد» و جز افکار

۱. منظور مجلس چهارم است که در تاریخ اول تیر ماه ۱۳۰۰ افتتاح شد.

صلحاء قوم و روح ملیت و ایرانیّت پشتیبانی دیگر برای خود سراغ ندارد و نخواهد داشت جای بسی خوشوقتی است که خود را مواجه ببیند با مرکزی که افکار تمام ملت در آنجا حاضر و ناظر اعمال عموم است. البته افتتاح پارلمان و وجود مجلس برای هر فردی که مختصر علاقه‌ای به استقلال مملکت دارد جای مسرت و خوشوقتی است و هیچ صاحب‌نظری از اظهار این خوشوقتی خودداری نمی‌نماید. و از آرزوهای شخصی اینجانب بود که یک هیئت دولتی بانهایت صمیمیت در پیشگاه پارلمان عرض وجود کرده به افکار نمایندگان محترم ملت تکیه داده مجلس را پشتیبان خود و خود را یگانه مجری صمیمی صدیق افکار ملت معرفی نماید تا این دو قوه بزرگ و این دو عامل مؤثر بدون تزلزل خاطر صمیمانه دست معنویت به خود داده آخرین تکالیف خود را در حفظ استقلال مملکت و دوام آسایش اهالی و ترقی و تعالی آنها عملاً به موقع اجرا بگذارند و در این موقع نیز که مقدمات امر فراهم و صمیمیت دولت در حفظ اساس شوروی و استحکام بنیان مجلس عملاً مشهود است البته برای من که تا یک درجه به آمال دیرینه خود نایل آمده‌ام بیشتر از حد معمول جای خوشوقتی است.

اما چون دنیای قرن بیستم همان قرنی که فقط سعی و عمل را قائل ترقی بشریت قرار داده است دیگر به ما اجازه نخواهد داد که در مقابل سعی و عمل و جهد و کوشش دیگران فقط به مبادله الفاظ و کلمات مجوّف که مدارج آن نه در پیشرفت مقاصد عالیّه اثری دارد و نه به قدر خردلی می‌تواند مملکت تاریخی ما را در انظار دیگران به حشمت و عظمت سابقه خود معرفی نماید پردازیم این است که با کمال تأسف و اجبار حق را باید گفت و حقیقت را مستور نداشت. باید با همان نظری که از خارج به ما نظاره می‌کنند متأثر گشته و از سرحدّ حرف و الفاظ تجاوز کنیم و جداً وارد سعی و عمل گردیم.

افتتاح مجلس شورای ملی برای تمام طبقات مملکت متبرک و میمون و بهترین ثمره‌ای است که از نهال مشروطیت عاید مملکت و ملت می‌گردد. تجمع نمایندگان ملت در مجلس و مداخله عموم ملت در حفظ مملکت و مبادله آراء تمام طبقات در ترقی و تعالی وطن یکی از قضایائی است که می‌تواند یک ملتی را به شاهراه آیدال [آیده‌آل] - کمال مطلوب - خود سوق نماید اما تقدس مجلس و تقدیس وکلای محترم و ورود در شاهراه آیدال از لحظه‌ای [ای] شروع خواهد شد که وکلای محترم و نمایندگان افکار ملت بدون دغدغه خاطر و تزلزل فکر بدواً اهمیت افکار یک ملتی که نمایندگی آن بر عهده آنهاست کاملاً منظور نظر داشته سپس حالت خستگی و فرسودگی و پریشان روزگاری عامه را نیز مطمح نظر قرار داده و وارد گردند به آن مرحله‌ای [ای] که حقیقت فکر و وجدان توأمأً برای آنها مقرر کرده است.

آقایان محترم، از دیرزمانی است که من کمر خدمت به این آب و خاک و این مملکت را بسته و وظایف سربازی خود را در هر مورد و هر میدانی اجرا کرده‌ام و از دیرزمانی است که در ضمن مسافرتها و مأموریت‌های مختلفه در اطراف و زوایای مملکت ناله ملهوفین و استغاثه مظلومین را به واسطه عدم امنیت و مظالم مأمورین اصفا کرده و روز به روز بر استغاثه‌های آنها و فجایع مأمورین افزوده شده است.

آن عائله‌های فقیری که سر اطفال بی‌گناه خود را روی خشت گذارده و از دود آه خود هوای ایران را تاریک و مکدر ساخته‌اند و هیچ انعکاسی ناله گلوگیر آنها را مکرراً تکرار نکرده است باید در فضای پارلمان منعکس گشته و زیاد بر این خاطر نمایندگان ملت را متأثر سازد.

آقایان نمایندگان محترم، دولتی که این جانب هم شریک در مسئولیت آنها بودم با تصادف هرگونه محذور [محدور] و موانع بالاخره موفق به افتتاح پارلمان گشته و می‌روند که مقدرات مملکت را از هر حیث به دست نمایندگان ملت تفویض نمایند ولی در اظهار این حقیقت تلخ نباید خودداری کرده که با آنکه مدتی است از افتتاح مجلس مقدس گذشته، با وجود پیشامدهای خطیر و اغتشاشاتی که هر آن و هر ساعت یکی از زوایای مملکت را شدیداً تهدید می‌نماید و با آنکه مقتضی بود در اولین دقیقه فرصت آراء نمایندگان ملت صرف معضلات مملکتی و گزارشات غیر مترقبه گردیده و تا هر درجه که میسر و مقدور است در تمام شبانه‌روز آسایش را بر خود حرام کرده و چاره‌ای [ای] برای موکلین مستغیث خود بیندیشند با کمال تأسف مذاکرات پارلمانی به یک نوع منازعات و مشاجرات شخصی بیشتر شباهت داشته است تا به آن مواد و فصولی که روح قانون و حقیقت وجدان و مسئولیت برای نمایندگان محترم مقرر فرموده است.

آنچه را که دیگران در کتب و السنه خود در مورد ما می‌گویند و می‌نویسند نباید شیوه تجاهل را شعار خود ساخته عامداً و عالماً راه تغافل بیماییم و به این حقیقت تلخ مجبور از اعتراف هستیم که تغافل و تجاهل ما وسیله تغییر عقیده دیگران نخواهد شد و یک مراجعه مختصر به مندرجات جراید پایتخت کافی تواند بود که در قسمت مذاکرات پارلمانی حقیقت اقوال سایرین را راجع به منازعات انفرادی اقرار و اعتراف نماییم. ستونهای جراید را از بدو افتتاح پارلمان تا امروز اگر عمیقاً مطمح نظر قرار داده و حل قضایای پارلمانی را به محکمه وجدان و فکر محول داریم خیلی مشکل است که در مقابل وجدان و فکر عموم خجل و سرافکننده نگذریم. تقدس عقاید احزاب و فرق پارلمانی تا زمانی مشکور علیه عامه است که بر روی مبانی جمعیت و حقیقت اجتماع استوار و مستحکم گشته و از مشاجرات انفرادی عاری و برحذر باشند والا آن عقیده که

صراط‌المستقیم خود را فراموش کرده و به مباحثات شخصی قناعت ورزد سرمشقی است که از مرکز قانون مستقیماً برای تولید هرج و مرج به تمام اطراف و نواحی مملکت اعطا و اهدا گردیده است. آری، از ذکر حقیقت نباید خودداری کرد و حق را در هر مورد و مقامی که باشد باید گفت. مدتی است از افتتاح مجلس می‌گذرد و تمام نمایندگان محترم مستقیماً استنباط و احساس فرموده‌اند که مملکت من غیرمستقیم داخل در مراحل جنگ و فرونت [جبهه] های عریض و طویلی است که هر روز در تحت یک عنوان برای وزارت جنگ باز می‌شود و هر آن به یک شکلی بر بدبختیهای مملکت افزوده می‌گردد؛ ولی از بدو افتتاح پارلمان تا امروز هنوز هیچ یک از نمایندگان محترم نخواسته‌اند یا مجال و فرصت آن را نکرده‌اند که این عظیم‌ترین قضایای مملکتی را مطرح شور و مشورت خود قرار داده و مختصر مرهمی بر پیکر مجروح مملکت بگذارند و هیچ کس زحمت این مختصر تفکر را به خود نداده است که این مونیسیون [سلاحها، مهمات] و گلوله [ها] و مهماتی که شبانه‌روز مثل تگرگ بر فرق متمرّدین و متجاسران] و دشمن در اضلاع و زوایای مملکت می‌بارد از کجا می‌آید؟ و بزرگترین ذخایر نظام آیا تا چه زمان این پریشانیها را تکافو خواهد کرد؟ آیا برای یک نفر که جان خود را برای حفظ نظام مملکت در دست گرفته و به هر سمت و هر جانب منعطف و معطوف است تا چه مدت مقدور است که با خون دل از هر ضلعی به کسب مهمات و ذخایر پردازد؟

من از ذکر این بیانات اظهار عجز و مسکنت نمی‌کنم. من فقط از سَخَط خداوندی و انتقام وجدان خائف هستم و به اعداد بی‌شمار متمرّد و متجاسر و خیانتکار واقعی نخواهم گذاشت.

من یک سربازی هستم که به فضل خداوند و به پشتیبانی و عظمت مقام اعلیحضرت اقدس همایون شهریاری ارواحنا فداه و شمشیر ملت تکیه کرده و به اُبّهت مقام ملیت و ایرانیت خویش دلگرم و امیدوارم و مطمئن به مظفریت خود هستم زیرا فکر و وجدان توأماً قائد و راهنمای من است؛ ولی نمایندگان محترم را نیز مقتضی بود که در ضمن مباحث انفرادی لحظه [ای] موقعیت مرکز را در مقابل مملکت و موقعیت مملکت را در مقابل عالم به میزان سنجش بگذارند.

آقایان محترم و برگزیدگان ملت و مملکت، تقریباً هفت سال است که قضایای گیلان و فتنه جنگل راه هرگونه اغتشاش و ماجراجویی را برای ماجراجویان مملکت باز نموده و در پایان اقدامات سطحی که سابقاً در مورد آنها اعمال می‌شد امروز هزارها نفر قشون دولت در برابر آنها و سایر فروتنها ایستاده و با یک دیسپلین فوق‌العاده و استحکامات

غیرمنتظره بسط هرگونه بوالهوسی ابلهوسی را به روی آنها مسدود نموده ابدأ به آنها و امثال آنها اجازه نخواهند داد که دامنه هوس و تمرد خود را برطبق آمال دیرینه خود وسعت و اتساع بدهند هرچند که در مقابل اراده دولت هرگونه طریقی برای بسط خودسری و تمرد مسدود است اما تجمع هزارها نفر قشون در مقابل آنها باز مستلزم مخارج و صرف مهماتی است که امروز مملکت طاقت تحمل آن را ندارد. آیا تا چه وقت و تا کی عده زیادی از قشون دولت باید در مقابل جمعی متمرّد و متجاسر به حالت معطله باقی بمانند؟ و هر روز مبلغ معتابهی پول و ذخیره دولت به مصرف آنها برسد؟ آیا تا کی نمایندگان ملت با نظر ساده و بی‌اعتنایی به این قضایا خواهند نگریست؟ و بالاخره چه وقت باید وزارت جنگ تکلیف خود را با متمرّدین یکسره نماید؟ اگر آنها دشمنانی هستند خارجی که بر ضد مملکت اقدام کرده و هر روز مملکت را به یک بدبختی جدیدی سوق می‌دهند باید نمایندگان ملت قطعاً مطلب ارا| تفکیک و متمایز نمایند تا تکلیف مملکت معلوم باشد و اگر بر عکس، چنانکه مشهود است، اینها یک عده فضول ایرانی هستند که از روی خودسری و خفتِ عقل راه بوالهوسی را پیموده و بر ضدّ مرکزیت و استقلال وطن قیام و عصیان کرده‌اند باز لازم است که نمایندگان محترم قضیه را تفکیک نمایند تا وزارت جنگ وظایف خود را دربارهٔ آنها بالمرّه اعمال نماید و این تارهای عنکبوتی را یکسره پاره کند.

همین حال را دارد فتنه خراسان که از چندی به این طرف شعله‌ور گشته و در تحت خودسری یک نفر جوان مختلف‌اللون نانجیب، مزاحم اهالی آن سامان شده‌اند. چنانکه تذکر داده شده، باز هم مطمئناً به پیشگاه مجلس مقدس خاطر نشان می‌نمایم که دولت به این سبک مغزیها اهمیتی نخواهد داد و هر آن مجلس شورای املی| مطلب را تفکیک و رأی قطعی خود را اظهار نماید بلاتردید در فاصله نزدیکی به این خودسریها خاتمه خواهد داد؛ ولی افسوس و هزار افسوس که اولاً اغلب از نمایندگان محترم مجال تصفیه رؤس قضایای مهمه مملکتی را نمی‌فرمایند و از آن گذشته مطلبی که باید از تمام قضایا زودتر تسویه شود تصفیه قضایای مرکز است که تمام وقایع جنگل و حدود شمال و خراسان و آذربایجان و غیره از متفرّعات آنهاست.

تهران است که موجد اغتشاش در نواحی شمال و غیره شده و شعله انقلاب را از هر طرف دامن می‌زند، تهران است که روابط خود را با جنگل و غیرجنگل مستحکم کرده من غیرمستقیم بر ضد مرکزیت مملکت اقدامات نموده در پیشگاه هر فتنه‌جوی غوغاطلبی واسطه‌تراشی کرده‌اند، منفعت‌طلبی ماجراجویان مرکز است که راه بهانه را به دست مفسده‌طلبان ایالات داده و هر روزه مملکت را به یک پرتگاه عمیق‌تری سوق

می دهند، این حس ماجراجویی در دسته جات مختلفه مرکز نموّ نموده و نفهمیده به تجزیه مملکت مبادرت می ورزند بلکه در اغلب هیئت دولتهای سابق هم رسوخ خود را از دست نداده از ابراز هر مفسده و فجایعی فروگذار نکردند و غالباً در دماغ طبقات ممتازه مرکز بود که این حس تجزیه و تقسیم یا منفعت طلبی شخصی احداث گشته علی الظاهر خود را طرفدار مرکزیت مملکت معرفی و در باطن سریعترین خط تجزیه را سیر می کردند. راپورتهای واصله به وزارت جنگ تمام حاکی است که منشأ فساد و منبع فتنه در مرکز و از مرکز است که دستور غوغا طلبی به فتنه جویان ولایات صادر می گردد. آیا ممکن است که قضایای مرکز نیز خاطر نمایندگان محترم را متأثر ساخته از روی حقیقت وجدان و حقیقت نمایندگی به این مسائل مهمه و معضلات امور تدقیقاً تکلیف مملکت را در مقابل مرکز و تکلیف مرکز را نیز در مقابل مملکت معلوم و مشخص فرمایند!؟

آقایان، قشون دولت امروز پایه اش از روی موهومات تجاوز کرده در مرکز و در تمام فروتتها و در تمام ایالات و ولایات با یک انتظام بی نظیری مشغول اجرای وظیفه هستند و سر و جان خود را از روی اشتیاق روحانی نه از روی عنف و اجبار به دست گرفته و در راه انتظام مملکت صرف می نماید. دیر زمانی است که مملکت محتاج به امنیت و عدالت است و این جاده های پست و بلند باید توسط قشون صاف گردد.

اما همان اندازه که مبانی این قشون از توهمات سابق خارج گشته و دیگر عبارت از سطور مجوفی نیست که در دفاتر دولت مدفون باشد به همان اندازه مصارف آنها نیز باید دقت وکلای محترم را به طرف خود جلب نماید آیا تاکی و تا چه وقت دست دولت برای مشتئی پول به جانب غیرایرانی دراز شده و هر روز تضییقات فوق العاده تری عاید دولت و مملکت خواهد گردید؟ وکلای محترم برای تعدیل این موضوع چه چاره اندیشیده اند؟ و در حالی که امنیت مملکت را مربوط به قشون و وجود قشون را نیز خوشبختانه انکار نتوانند کرد از بدو افتتاح پارلمان تا امروز چه راه حلی به خاطر آنها خطور نموده و چه محلی را برای معاش یومیّه قشون تخصیص فرموده اند؟

مطلب دیگری که در درجه اول از اهمیت واقع خواهد گردید عمل مونیسیون و مهمات و ذخایر قشونی است که من نمی خواهم بگویم تاکی و تا چه زمان در مقابل شداید و انقلابات مقاومت خواهد کرد ولی مملکتی که هیچ کارخانه ای از خود ندارد، مملکتی که حتی یک دانه فشنگ را باید از خارج تهیه و خریداری کند فرضاً که دارای میلیونها [میلیونها] مهمات هم باشد باز چون منبع عایدی مستقیمی ندارد ناچار یک روزی تمام خواهد شد و تولید زحمت برای مملکت خواهد نمود.

یکی از مسائلی که علت العلل بدبختی دوره‌های اخیر مملکت واقع گشته عدم مآل‌اندیشی و پیش‌بینی کابینه‌ها و وزرا و نمایندگان سابق بوده که همیشه سیاست روزمره را اتخاذ و تا زمانی که دچار شدیدترین موقع اضطراب نشده‌اند هرگز به فکر چاره‌جویی نیامده موقعی احساس احتیاج در خود کرده‌اند که مرور روزگار فرصت و موقع را از کف آنها ربوده است و متأسفانه قسمت عمده قضایای معضله و مشکلات متراکمه به واسطه فقدان همین حس مآل‌اندیشی بوده که بالاخره مزاج مملکت را مسموم کرده است. اما امروز که بحمدالله با وجود تشکیل دولت فعال صمیمی و وجود مجلس مقدس شورای ملی و حضور نمایندگان محترم و صمیمیتی که از هر حیث و هر جهت بین دولت و ملت مشهود است اینجانب از موقع استفاده کرده با کمال عجله و فوریت خاطر نمایندگان محترم را به انجام رؤس پیشنهادی خود معطوف و آرزو می‌نمایم که در این موقعی که وزارت جنگ می‌خواهد به پلتیک [پلیتیک] روزمره خاتمه دهد نمایندگان محترم نیز غفلت نفرموده هر قدر زودتر ممکن است موجبات تسهیل جریان امر را فراهم فرمایند. چنانکه عرض کردم یکی از آرزوهای دیرینه من بود که یک هیئت دولت فعال صمیمی در پیشگاه پارلمان معرفی گشته به افکار ملت و نمایندگان محترم تکیه داده هر موانع [مانع] و محظوری [محذوری] را از مقابل مملکت دور [کنند] و در مقابل هر پیشامدی مستحکم و استوار بنشینند و به بازوی سعی و عمل تکیه کنند؛ اما چون حقایق را نباید کتمان کرد صریحاً می‌گویم که با وجود این لاقیدی و بی‌اعتنایی عمیقی که صفحه مرکز مملکت را احاطه کرده و مسائلی که از نقطه نظر افراد قائم مقام مباحث اجتماعی شده است و عدم توجهی که از موارد مربوطه به حل قضایای مملکتی مشاهده می‌گردد و احساس منفعت‌طلبی و خودپرستی که در کانون دماغ بعضیها احداث و ایجاد گشته و حتی حاضر می‌شوند که از مقام غیرنمایندگی ملت به فجایع جنحه و جنایات [جنایت] تنزل نمایند مرا به قبول و اظهار این حقیقت تلخ مجبور می‌نمایم که مسائل مملکتی با این سیره و اسلوب اصلاح نخواهد شد و با این پیکره دو تیره، برخلاف انتظار، هر روز به تمدید مشکلات مملکتی افزوده خواهد گردید. من به شرف ملیت و ایرانیت خود سوگند یاد می‌کنم و شمشیر خود و لوای مقدس شیر و خورشید را نیز شاهد می‌گیرم که جز به خیر ایران و نجات ایران و عظمت از دست رفته ایران علاقه دیگری ندارم، با هیچ‌کس قصد و غرض شخصی و حب و بغض شخصی و مباحثه و مشاجره شخصی ندارم، همه کس و همه چیز و حتی خود را هم برای ایران می‌خواهم. آرزویی جز این ندارم که اجنبیان حس احترام خود را در مقابل اوراق برجسته تاریخ وطن عزیز من



فراموش نکنند. به ایرانی اظهار امیدواری می‌کنم که دست نامحرم را - هر که می‌خواهد باشد - از بدن خود دور کرده به پای خود بایستد و به بازوی توانای خود تکیه کند. معلومات قرون اخیر که به دنیای متمدن تغییر قیافه و شکل داده است باید در کمال آزادی در وطن عزیز من هم جریان خود را شروع نماید.

خس و خاشاکهایی که مانع نمو قومیت ما هستند باید از میان بروند. هر کس به هر عنوان بر ضد مملکت و وطن قیام و اقدام می‌نماید باید بمیرد و معدوم گردد. جسد ایرانی در زیر بار منفعت طلبان دزد و سیاست مآبان مجوّف و مأمورین غارتگر خورد [خُرد] و فرسوده شد. شداید یغماگران چپاولچی - در هر لباسی می‌خواهند باشند - برای نوع ایرانی غیر قابل تحمل واقع گشته است. آن یاوه‌گوییانی که هر روز غم ملت را خورده و هر شب کیسه خود را مملوّ ساختند باید بعدها ارتزاق خود را از دسترنج خود فراهم نمایند. به خدای متعال و به مناظر دلگشای ایران قسم می‌خورم که از تمام این اظهارات و از تمام این بیانات و کلمات هرگز منفعت شخصی را منظور نظر نداشته قصد و منظوری ندارم مگر استخلاص نوع و خلاصی وطن و مراجعه دادن ایرانیان به تاریخ گذشته خود، همان تاریخی که شجاعت و شهامت ادبی بنیان ادب و منطق و حکمت و فلسفه راستی و درستی و صدق و صفا، آقایی و بزرگی و ترقی و تعالی در ضمن صفحات و اوراق آن سطر به سطر ملحوظ و مدّون است، همان تاریخی که به عظمت شاهنشاهی و علوّ کبریایی و مجد و شرف آن تمام نام‌آوران روزگار مجبور در [به] تعظیم و اطاعت بوده‌اند، آن قبه بارگاهی که سالها و سالیان دراز بر فراز کنگره‌های جهانداران عالم نصب‌العین بود باز باید حقیقت حشمت و عظمت خود را در بحبوحه تمدن قرن بیستم ثابت و پایدار بدارد. باید این بی‌حسیها و لاقیدی و بی‌اعتنائیهای که آسمان ایران را تیره و تار کرده یکسره خاتمه یابند.

در کنام شیران و مکمن دلیران به طور پستی و دنائت زندگانی کردن و تمام مملکت را به جرم بی‌قیدی و بی‌حسی مضمحل خواستن و سعادت نوع را فدای منفعت شخصی کردن در پیشگاه بشریت اثبات عدم رشد نمودن و خاک در دیده مملکت انباشتن است. بالاخره چون بنیان مملکت به مویی آویخته و بلافاصله باید حرف و الفاظ را کنار گذارده و وارد در مرحله عمل گردید به ناچار انجام تسویه رؤس مطالبی که مذکور افتاد و نکاتی که در لوایح دیگر پیشنهاد خواهم کرد جداً تقاضا می‌نمایم. و از آنجایی که به حیات روزمره قطعاً باید خاتمه داده شود هرگاه باز مانند دوره‌های سابق تمام اعمال و نیات در ضمن قیام و قعود روزانه از صحنه حرف و لفظ تجاوز نمایند و عملاً

آقایان وکلای محترم وارد در مرحله سعی و کوشش نشوند با انتظاراتی که ملت و مملکت از مجلس و دولت دارند در فاصله نزدیک شروع و آغاز نگردد این جانب هم لاعلاج مسئولیتی را که دولت متبوع و روح ایرانیت بر عهده‌ام مفوض داشته است ترک خواهم گفت و سپس حل قضایا را به محکمه انتقام ملت واگذار خواهم نمود. تکلیف قطعی خود را در عالم نشو و ارتقا دانسته بروند به آن راهی که خدای ایران و حقیقت عدل و داد برای آنها سزاوار دانسته است.

[۱۱۱ تا ۹۷-ق]

## ۹

### دیویزیون قزاق اعلیحضرت همایونی

سواد تلگراف رمز حضرت اشرف

نمره ۱۰۲۳

تاریخ ۲۷ قوس

آقای سرهنگ بصیر دیوان<sup>۱</sup>

با مفتاح رئیس اردو کشف شود.

تبریک درجه سرتیپی شما را می‌گویم و منتظرم با حسن ظنی که به لیاقت و کفایت شما دارم کشف اسلحه مخفی شده در جنگل را به نوبه خود شما نیز به من تبریک بگویید.

وزیر جنگ و رئیس دیویزیون قزاق، رضا

سواد مطابق اصل است.

[۸-۳۲۳-۱۱۴ ز]

۱. فضل‌الله زاهدی ملقب به بصیردیوان پس از کودتای ۱۲۹۹ درجه سرتیپی گرفت و در جنگ با اسماعیل آقا سمیتقو و فتح قلعه چهریق رشادت زیادی به خرج داد و به دریاقت نشان ذوالفقار، که عالیترین نشان جنگی در آن تاریخ بود، نائل شد. پس از ورود سردار سپه به اهواز، سرتیپ زاهدی فرماندار نظامی خوزستان شد و پس از چندی شیخ خزعل را دستگیر کرد و به تهران فرستاد. بعد به فرماندهی تیپ شمال منصوب شد و خلع سلاح عشایر را در مازندران و گیلان شروع کرد. وی همچنین از مهردهای معروف کودتای ۲۸ مرداد ۳۲ به شمار می‌رود (ر.ک: باقر عاقلی، نخست وزیران ایران از مشیرالدوله تا بختیار، تهران، انتشارات جاویدان، ۱۳۷۰، ص ۸۱۴).



دبویزبون  
قزاقم اعلیحضرت پهلوی  
سواد مجلس در محنت ارف  
تاریخ ۲۷ قتر  
لحه ۱۳۰۱

آرکب بصره درین

بفتح انوارم گفت نو ترک در جراتی شادایم و منظم با نطنی که  
بوقت و کفایت شادایم گفت ای کفایتی در حکم را بنویس خوشتر بنم  
ترک بزرگ ۱۳۰۱ در عهد و درین در آق رضا

تهدیه های ابراهیم  
برای کتب  
۴

## ۱۰

## وزارت جنگ

## اداره کابینه

نمره ۵۶۱۸

تاریخ ۱۵ برج میزان ۱۳۰۰

آقای کلنل علیخان رئیس اتا ماژور [استاد] کل ژاندارمری

در تعقیب مراسله نمره ۵۶۱۹ که به اداره ژاندارمری نوشته‌ام به موجب این ورقه جداگانه به شما هم امر می‌دهم که باید فوراً برای سرکشی و تنظیمات ژاندارمهای خراسان و تعیین یک نفر رئیس از صاحب‌منصبان آن اداره برای آن قسمت به صوب مشهد حرکت کرده مطابق دستوری که شفاهاً نیز به شما داده شده است موجبات انتظام ژاندارمری خراسان را عموماً فراهم کرده راپرت اقدامات و عملیات خود را برای من ارسال دارید و پس از انجام ماموریت مرجوعه و تکمیل انتظامات مترتبه ژاندارمری خراسان با حصول اجازه من معاودت به مرکز نمایید.<sup>۱</sup>

[امضا] رضا

[مهر] وزارت جنگ

[۲-۱-۲۲۶-م]

## ۱۱

## وزارت جنگ

## اداره کابینه

نمره ۱۰۲۴۵

مقام منبع ریاست وزرای عظام، دامت شوکته [مشیرالدوله]

چون مراتب کفایت و سوابق خدمات رضاخان سرتیپ مستلزم بذل توجه و التفات از

۱. کلنل محمد تقی خان پسیان در تاریخ دهم مهر ماه سال ۱۳۰۰ در اولین برخورد نظامی شکست خورد و با اسلحه خود را از پا در آورد. تاریخ این سند به فاصله پنج روز بعد از واقعه خراسان است.

[نمره ۱۸۷۳۱]

[۱۳۱ برج جدی ۱۳۰۰]

[اقوام السلطنه، ریاست الوزرا]

بر طبق راپورتی که به بنده رسیده است معادل مبلغ یکصد هزار تومان این دو روزه از تلگرافخانه انگلیس تحویل وزارت پست و تلگراف خواهد شد. و لزوماً خاطر انور را متذکر و پیشنهاد می نماید که مقرر فرمایید وجه مزبور را به مصرف ادارات نرسانیده و برای وزارت جنگ تخصیص بدهند.

[امضاء] رضا

[مهر] وزارت جنگ

[در حاشیه]

فوری به عرض می رسد. ۱۰/۳

[مهر] ورود به کابینه ریاست وزرا نمره ۱۵۴۷

به تاریخ ۱۶ جدی ۱۳۰۰

[۱۳۲۴-۸]

## The American High School

مدرسه عالی امریکایی در تهران

مورخهٔ یوم پنجشنبه ۲۵ دلو ۱۳۰۲  
 حضور محترم بندگان حضرت اشرف سردار سپه رئیس الوزراء دامت شوکته العالی  
 باکمال احترام دقت حضرت اشرف را به مطالب ذیل متوجه می‌دارد: البته  
 حضرت اشرف بیش از همه مستحضرنند که اغلب فساد اخلاق جامعه ناشی از  
 بیکاری است یعنی جوانان پس از فراغت از مشاغل یومیه به واسطهٔ  
 نداشتن مشغولیات و محل مناسبی برای ملاقات یکدیگر و قرائت کتب  
 علمیّه و روزنامهجات و مجلات و داشتن بازیهای فوتبال و تنیس و غیره اغلب  
 اوقات گرانبهای خود را صرف لهو و لعب و اباطیل می‌نمایند که بالنتیجه باعث  
 فساد اخلاق جامعه می‌گردد. اولیاء مدرسه عالی امریکایی در تهران مصمم‌اند  
 برای رفع این نقیصه، مجمعی به نام مجمع جوانان ایران در خیابان لاله‌زار در

محلی که سابقاً بلوار ایران بوده تأسیس نمایند. این مجمع به همت دیپلمه‌های مدرسه عالی امریکایی و جمع آوری اعانات و تحت نظر یک نفر معلم ورزش امریکایی، مستر شرک نام، اداره می‌گردد. مقصود از افتتاح این مجمع اشاعه علوم و معارف و مخصوصاً تهذیب اخلاق جوانان ایرانی است.

مراسم افتتاح این مجمع در یوم جمعه سیم حوت ۱۳۰۲ مطابق ۲۲ فوریه ۱۹۲۴ اجرا می‌گردد. چون حضرت اشرف مروج تهذیب اخلاق محیط هستند لذا مستر شرک رئیس مجمع و اینجانب رئیس مدرسه عالی امریکایی بی‌اندازه مایلیم که به درک شرف ملاقات حضرت اشرف موفق و مفتخر گردیم و شفاهاً با حضرت اشرف در این خصوص شور و صلاح نموده [کنیم]، و نظریات آن وجود محترم را اصغاء و استماع نمائیم. لذا با کمال احترام خواهشمند است وقتی را برای این مقصود تعیین فرمایید که این جانب به معیت رئیس مجمع برای ملاقات شرفیاب شویم که فوق‌العاده باعث امتنانات قلبیه خواهد شد. خاتماً مراتب احترامات فائقه را تقدیم می‌دارد.<sup>۱</sup>

رئیس مدرسه عالی امریکایی، دکتر [ساموئل] جردن.

[۹۳۲۵ ن]

۱. گسیل داشتن مبلغان فرهنگی و اخلاقی و حتی مذهبی به کشورهای تحت سلطه به منظور ارائه چهره‌ای روشن و غیر واقعی از استعمار برای جذب اندیشه نخبگان فکری و سیاسی همواره پیش از ورود هیئتهای اقتصادی، سیاسی و نظامی صورت می‌پذیرفته است.

THE AMERICAN HIGH SCHOOL

مدرسه عالی آمریکائی در تهران

تاریخ مجید ۲۵ دلو ۱۳۰۲

تقدیرم بکمال تحفیت الشرف لایزاله در سینه شریف الزراره و دانت لیکه العالم

بکمال احترام دقت تحفیت الشرف لایزاله مطالب ذیل را به بیاد الله تحفیت الشرف لایزاله تقدیرم  
 انصاف احقق جامعنا در اینکار یعنی جوانان لایزاله فراغت ازین علم و سیه در سینه شریف  
 تخلیص و کمال شایسته سعادت معلوم کنی در وقت کتب عقیدیه در روزهای مجتهدت و دانت لیکه  
 فت بال و غیر غیر اغلب اوقات که اینها در حال حرف لایزاله و با اطمینان بنایند و بالنتیجه باعث  
 فاد احقق جامعنا میگردد. اولاً اینها در سینه عالی در تهران لایزاله لایزاله لایزاله لایزاله لایزاله  
 مجمع جوانان ایرانی در خیابان لاله زار در محله سالیانه لایزاله لایزاله لایزاله لایزاله لایزاله  
 مار سینه عالی لایزاله جمع کرده اعانات دلی لایزاله لایزاله لایزاله لایزاله لایزاله لایزاله  
 مقصد و کز اقصای این مجمع ارباعه علم و عارف مکتوباً تهذیب احقق جوانان است  
 مراسم اقصای این مجمع در یوم جمع ششم صبح ۱۳۰۲ مطابق ۲۳ ذریعہ ۱۹۲۳ اجراء میگردد  
 جوانان تحفیت الشرف لایزاله تهذیب احقق مکتوباً لایزاله لایزاله لایزاله لایزاله لایزاله لایزاله  
 در سینه عالی لایزاله به اندازه یلیم به سبک لایزاله لایزاله لایزاله لایزاله لایزاله لایزاله  
 در سینه عالی لایزاله در این تقریر لایزاله و صلح لایزاله لایزاله لایزاله لایزاله لایزاله لایزاله  
 نایم لایزاله کمال احترام خود ابراز میگردد و حق لایزاله لایزاله لایزاله لایزاله لایزاله لایزاله  
 شریف لایزاله سعادت لایزاله لایزاله در حق العاصمه باعث اعانات قلبیه خواهد بود  
 مراتب احترامات فائده لایزاله لایزاله لایزاله لایزاله لایزاله لایزاله

دکتر جردن

رئیس مدرسه عالی آمریکائی

*[Handwritten signature]*

استیو لایزاله



www.KetabFarsi.com

اسناد جمہوری

## ۱۵

[نشان سفارت انگلیس]  
سفارت انگلستان تهران

۳ حوت ۱۳۰۲

۲۲ فوریه ۱۹۲۴

حضرت اشرف آقای سردار سپه رئیس‌الوزراء و وزیر جنگ دامت شوکت

رئیس‌الوزرای عزیزم، مذاکراتی را که در صبح ۱۳ فوریه - ۲۴ دلو - با حضرت اشرف داشتم و اشعاراتی را که برای یک کمیسیون مختلط جهت انجام مسائل معوقه فیما بین دولتین ایران و انگلیس نمودم و قبولی حضرت اشرف را در این باب به صدراعظم و وزیر امور خارجه اعلیحضرت پادشاه انگلستان اطلاع داده‌ام. جواباً معزی‌الیه خواسته‌اند اطلاع دهم که آنچه را با حضرت اشرف مذاکره نموده‌ام<sup>۱</sup> و اقداماتی که مصمم شدیم که اتخاذ شود تصدیق نموده‌اند. و راپرت شخصی که پس از ورودم در لندن خواهم داد و مسلکی را که حضرت اشرف و جنابان وزیر امور خارجه و وزیر مالیه در کنفرانسهای مزبور اتخاذ می‌نمایند مأخذ عقیده جناب معظم‌له خواهد بود از احساسات و لیاقت هیت دولت حالیه در اینکه روابط فیما بین مملکتین را بر یک اساس متین رضایت‌بخشی قرار دهند. ایام شوکت مستدام باد.

[وزیر مختار انگلستان | پرسسی لورن]

[۶۵۹۶]

۱. در فاصله آذر ماه ۱۳۰۲ تا آذر ماه ۱۳۰۳ ماجرای جمهوریت و بحران جمهورینخواهی به طرز گسترده‌ای مطرح بود و بعید به نظر نمی‌آید موضوع این نامه که در نهایت ابهام نوشته شده درباره مسائل پنهان جمهوری باشد.



British Legation,  
Tehran.

بسم الله الرحمن الرحيم

کسبون  
 هنک تا دیروز صبح ۱۳ جوزی ۱۳۲۲ در ۱ با حضرت شرف داشتند و بعد از آن که در این  
 نقطه جدا تمام سائرسوخته فیما بین دولتین ایران و قلمو حضرت شرف در این باب  
 صبر و عزم و در این مورد عظیمت پادشاه انگلستان بفتح دادند و چون مسترزایه پستانه  
 بطریق دهم که آن پندرا با بخت شرف به آرزو نمودند و اندر پشته ستم شرم که آنکاز بود تصدیق نمودند  
 در این پشته شخصی که پس از درودم در لندن حرام داد و اسکی را که حضرت شرف و جابان روز  
 دور عازم و در این پشته در کتوشماره روز پنجشنبه تا آخر عقیده خاب سلطنت حرام بود و در آن  
 دیانت شسته دولت عازم در پشته روانه فیما بین انگلستان را بر پشته پاس استین خاتمه شرف دادند

ایام نوکته مستدام  
 Percy Forster

## ۱۶

## ریاست وزراء

نیس [احمد شاه]

تلگراف مبارک زیارت شد. مطلب همان است که احساس فرموده‌اید. با بودن والا حضرت ولایت عهد به نمایندگی از اعلیحضرت و التزامی که ایشان در عرض این گونه مطالب داشته‌اند فدوی از کسب تکلیف معذور بوده‌ام.

موضوع این است: جراید و مجامع سیاسی مسافرت مکرر اعلیحضرت و سایر اعمال گذشته را مستمسک قرار داده و انتقاد می‌کنند. آنقدری را که قانون مطبوعات اجازه می‌دهد جلوگیری می‌شود لیکن اقدامات سخت و غیرقانونی با افتتاح مجلس دشوار است. نغمهٔ جمهوریت ساعت به ساعت بسط پیدا می‌کند و اعلیحضرت که خوب به تاریخ نهضت و انقلاب ملل آشنا هستید می‌دانید بدبختانه اینگونه قضایا وقتی در جامعه طلوع کرد خاموش کردن آن بی‌اندازه مشکل است؛ چاره [ای] جز اقدامات عاقلانه که موجب تسکین مردم باشد میسر نیست مخصوصاً با اینکه از نقطه نظر سیاست خارجی که از سه دولت متناسب با این مذاکرات محاصره شده‌ایم: روس بلشویک، ترکیهٔ جمهوری و انگلستان کارگر در اطراف این مملکت موجود شده‌اند. در این صورت قضاوت وضعیات را به آسانی می‌توانید بفرمایید.

[رضاخان]

[۱۰۸۲-ن]

## ۱۷

## استخراج تلگراف پاریس

تهران

جناب اشرف رئیس الوزراء [رضاخان]

تلگراف شما رسید. از آنجا که مسئولیت کلیهٔ امور دولت بر عهدهٔ شماست من همیشه منتظر بوده و هستم که شخص شما مرا از جریان امور مطلع بدارید. از اینکه نوشته‌اید جراید مسافرت و اعمال گذشته مرا وسیله تنقید قرار داده‌اند مطلع شدم. اولاً خودتان می‌دانید که مسافرت من علتی جز معالجهٔ مزاجی نداشت و با بودن مثل

شخص شما در مقام ریاست و وزراء ضرری متصور نیست؛ اکنون که معالجه قریب به اتمام است به زودی تصمیم و حرکت خواهیم کرد.

ثانیاً تنقیدات جراید نسبت به من با عدم مسئولیت من برحسب قوانین اساسی، که همیشه رعایت آن را وظیفه خود دانسته، متناقض می دانم.

سوء عاقبت این انتشارات برای مصلحت عموم بدیهی است، و من در این اظهار، منافع مملکت و ملت را در نظر دارم. چون صمیمت شما را نسبت به خیر و مصالح مملکت و آسایش عموم می دانم یقین دارم که به وسائل مقتضیه در رفع این انتشارات و تسکین اذهان اهتمام خواهید نمود.

|| احمد | شاه

|| ۱۱۴۱ - ن

## ۱۸

### وزارت جلیله جنگ

اداره کابینه

خیلی محرمانه و خصوصی است

دائرة خصوصی و شخصی

نمره ۱۶۵۴۱

تاریخ ۳ برج حوت ... ثیل ۱۳۰۲

امیر لشکر جنوب

البته از آهنگ جراید مرکز نسبت به تغییر رژیم مملکت و شدت عملی که در این باب دارند مستحضر شده‌اید. برای آنکه دنباله امر به یک انقلاب خونینی منتهی نشود و سلب امنیت از عامه نگردد همه از من تقاضا کرده‌اند که قبول پیشنهادات آنها را کرده و من هم برای اینکه افتخار جدیدی برای عموم نظامیان تحصیل گردد به آنها قول مساعدت داده و این است که در ضمن این مختصر شما را متوجه می سازم که ملتفت امر بوده بلافاصله شروع به اقدام [نمایید] و ضمناً بدانید که موضوع جمهوریت یک امری است ملی و باید با دست مردم و صدای خود ملت صورت انجام یابد.

در میان مردم سه طبقه هستند که مداخلیت تام در پیشرفت کار دارند: اول تجار و

کسبه و اصناف بازار که در موقع لزوم اقدام به بستن بازار کرده، دویم روزنامه‌نگاران و احزاب سیاسی که معایب قاجاریه و سلطنت مطلقه و محاسن جمهوریت را با کمال آزادی و بدون ترس و بیم پروپاگاندا کرده عامه را بیدار نمایند، سوم سلسله علماء و روحانیون که فتوهای لازم در این مورد داده و تمام مردم را بر تغییر رژیم و تثبیت جمهوریت تهییج کنند.

شما باید بدون آنکه کسی بفهمد از طرف نظامیان مداخله مستقیمی می‌شود خیلی محرمانه اما با کمال جدیت سه طبقه فوق را در تمام جنوب اعم از شیراز و اصفهان و بوشهر و نواحی و توابع و غیره تشویق و حاضر کار نموده به طوری که همه متحدالکلمه باشند تا به مجرد آنکه تلگراف رمز من به شما رسید فوری یک صدای هم‌آهنگ از تمام صفحه جنوب بلند شده پس از دادن میتینگ و غیره به وسیله نمایندگان خود به مجلس شورای ملی فشار آورده و به وکلاء همین مجلس اختیار تام و تمام بدهند که قانون اساسی را تغییر داده و رژیم مملکت را از مشروطیت به جمهوریت تبدیل نمایند.

در این صورت به شما تأکید می‌کنم که این امر باید طوری عاقلانه و ماهرانه و ملی باید صورت بگیرد که کمترین توهمی از طرف من و شما در انظار عامه در کار نباشد و باید ضمناً خیلی فوری و جدی و بلافاصله با تمام معنی زمینه کار را حاضر داشته باشید که عنقریب دستور تلگرافی من به شما خواهد رسید.

[امضا: رضا خان]

[۶۷۰۷]



۱۳۰۲/۱۲/۲۹

## مقام رفیع مجلس شورای ملی

نظر به تلگرافات عدیده [ای] که از تمام ایالات و ولایات و تمام طبقات مملکت در مخالفت با سیاست سلاطین قاجاریه و رأی به انقراض سلطنت خانواده مذکور رسیده و نظر به اینکه تقریباً در تمام تلگرافات واصله اظهار تمایل به جمهوریت شده و صراحتاً اختیار تغییر رژیم را به مجلس شورای ملی داده‌اند و چون قانوناً این تلگرافات کافی برای تغییر رژیم نیست ما امضاکنندگان، سه ماده ذیل را به مجلس شورای ملی به قید فوریت پیشنهاد می‌نماییم که به معرض آراء عامه گذاشته شود:

ماده اول- تبدیل رژیم مشروطیت به جمهوریت

ماده دوم- اختیار دادن به وکلای دوره پنجم که در مواد قانون اساسی موافق مصالح مملکت و رژیم جدید تجدیدنظر نمایند

ماده سوم- پس از معلوم شدن نتیجه آراء عمومی تغییر رژیم به وسیله مجلس شورای ملی اعلام شود.

سید محمد تدین، شیخ‌العراقین<sup>۱</sup>، سرکشیک‌زاده<sup>۲</sup>، مصباح‌السلطنه<sup>۳</sup>، سید محمد سلطانی<sup>۴</sup>، ناصرالاسلام گیلانی<sup>۵</sup>، شریعت‌زاده<sup>۶</sup>، عدل‌الملک<sup>۷</sup>، رئیس‌التجار خراسانی<sup>۸</sup> [و ۶ امضای ناخوانای دیگر]

[۸۳۷-۱۴۴-م]

۱. میرزا محمدرضا تجدد ملقب به شیخ‌العراقین زاده؛ مدیر روزنامه تجدد.
۲. سید کاظم‌خان اتحاد ملقب به سرکشیک‌زاده؛ مدیر روزنامه ایران.
۳. محمدولی اسدی ملقب به مصباح‌السلطنه.
۴. حاج سید محمد سلطانی ملقب به سلطان‌العلماء.
۵. سید یحیی ندامانی ملقب به ناصرالاسلام گیلانی.
۶. احمد شریعت‌زاده ملقب به مشاور.
۷. میرزا حسین‌خان دادگر ملقب به عدل‌الملک.
۸. رضا مهدوی ملقب به رئیس‌التجار خراسانی.



## ۲۰

## مجلس شورای ملی

خبر از کمیسیون فوق‌العاده راجع به تلگرافات ولایات در خصوص جمهوریت به مجلس شورای ملی

تاریخ ۱۲ شهر شعبان ۱۳۴۲ [۲۹ اسفند ۱۳۰۲]

کمیسیون فوق‌العاده راجع به تلگرافات ولایات در تقاضای جمهوریت، ۳ جلسه تشکیل [داده] پس از مذاقه در مضامین تلگرافات وارده و شور در آن این طور رأی می‌دهند: نظر به اینکه کلیه تلگرافات واصله حاکی از مخالفت با سلسله سلاطین قاجاریه است و رأی به انقراض خانواده سلطنت قاجاریه، نظر به اینکه تقریباً در تمام تلگرافات واصله اظهار تمایل به جمهوریت شده کمیسیون با اینکه در غالب تلگرافات تصریح شده است اختیار تغییر رژیم را به مجلس می‌دهیم، چون قانوناً این تلگرافات را کافی برای اقدامی نمی‌داند عقیده دارد که لازم است به طریق قانونی مفاد دو ماده ذیل به آراء عموم گذاشته شود.

۱. ملت ایران تغییر مشروطیت را به جمهوریت به وسیله مجلس شورا اعلام می‌دارد.
۲. وکلاء دوره پنجم اختیار دارند در مواد قانون اساسی موافق مصالح مملکت و مقتضیات دولت و رژیم تجدید نظر نمایند.

مخبر کمیسیون

[۸۳۷-۱۴۴-م]

## ۲۱

## مجلس شورای ملی

تاریخ ۲۹ حوت [۱۳۰۲] - ۱۲ شعبان ۱۳۴۲

خبر از کمیسیون به مجلس شورا

کمیسیون پیشنهاد آقای [سید محمد] تدین را در باب خلع شاه و ولیعهد مورد مطالعه قرار داده و مذاکرات مفصلی در موضوع آن به عمل آورد و نظر به اصل ۳۶ و ۳۷ متمم قانون اساسی اکثریت کمیسیون چنین اظهار نظر کرد که مجلس نمی‌تواند خلع شاه را قبل

از به دست آوردن نتیجه آراء ملت اعلان کند ولی برای حفظ مصالح مملکت کمیسیون لازم می‌داند مجلس درباب رجوع به آراء عمومی با منتها درجه سرعت اقدام نماید.

[امضا]

[۸۳۶-۱۴۴-م]

## ۲۲

نشان شیر و خورشید و تاج

ریاست وزراء

جناب اشرف الوزراء<sup>۱</sup>!!

روزنامه‌جات اروپا اخبار عجیب این چند روز از ایران نقل می‌کنند؛ منتظرم فوراً از چگونگی اوضاع مفصلاً تلگراف کنید.

شاه

[۱۱۴۰ ن]

## ۲۳

نشان شیر و خورشید و تاج

ریاست وزراء

||احمد شاه||

تلگراف مبارک وقتی رسید که کار از نشریات جراید تجاوز کرده میتینگهای چندین هزار نفری در تمام ولایات داده می‌شود و تمام اصناف و طبقات در تلگرافخانه‌ها متحصن و متحدالکلمه از دولت و مجلس تغییر رژیم را تقاضا می‌کنند. مجلس هم در مقابل این تقاضاهای عمومی تکانی خورده و از نقطه نظر حمایت موکلین خودشان و کلا رنگ تازه‌ای [ای] نشان می‌دهند. تمام مجاهدت و کوشش چاکر برای حفظ امنیت صرف می‌شود و یگانه توانایی فدوی شاید همین باشد. چیزی که خیلی توجه چاکر را مشغول داشته احساسات خشنی است که نسبت به خانواده سلطنتی عموماً ابراز می‌شود. برای

۱. جناب اشرف رئیس الوزراء

حمایت و حفاظت آنها اقدامات احتیاطی شده است و حفظ امنیت را تا آخرین نقطه در نظر گرفته و تعقیب می‌کند.

[امضا: رضا خان]

[۱۰۸۱ ن]

## ۲۴

### [نقشه عملی پارلمانی در تغییر رژیم]

پس از گذشتن اعتبارنامه‌ها و رسمی شدن مجلس و به جریان افتادن کارها به طور ساده و عادی، پانزده نفر وکیل که برحسب قانون پیشنهاد این عده قابل توجه مجلس می‌شود به مضمون ذیل پیشنهادی به مجلس علنی تقدیم می‌کنند:

### اصل پیشنهاد

نظر به اینکه بعضی از اصول مهمه قوانین اساسی به واسطه عدم تناسب به وضعیات اجتماعی امروزه غیر عملی و بعضی دیگر آن که راجع به حقوق عمومی و طرز حکومت ملی و تعیین و تحدید امور سلطنتی است امروزه کاملاً منافی با حفظ حقوق عمومی افراد جامعه ایرانی و مخالف آزادی حقیقی اهالی و مانع از پیشرفت ملت در طریق تجدید حیات بین‌المللی و مخل ترقیات مملکتی است و ... ما امضا کنندگان تجدیدنظر در قانون اساسی را لازم می‌دانیم بلکه از تکالیف فریضه اولیه جامعه می‌شماریم و چون مجلس شورای ملی صالح نیست برای تجدیدنظر در قانون اساسی و این حق ثابت برای عموم افراد ملت است لهذا پیشنهاد می‌کنیم که مجلس شورای ملی رأی بدهد به مراجعه به افکار عمومی ملت ایران به این معنی که دولت به مضمون ذیل متحدالمآلی به ایالات و ولایات ایران عموماً صادر نموده و عقیده مجلس را به معرض افکار عمومی گذارده و از عموم ولایات تحصیل اراده نموده و به مجلس تقدیم دارد تا اگر افکار عموم تجدیدنظر در قانون اساسی را لازم دانست به موقع عمل گزارده شود.

### (ماده پیشنهادی قریب به این مضمون)

مجلس شورای ملی رأی می‌دهد که دولت به اسرع زمان به افکار عمومی ملت ایران مراجعه نماید و به اصطلاح «رفراندم» به عمل آورد [و] معلوم نماید که ملت ایران حق تجدیدنظر در قانون اساسی را به همین مجلس پنجم می‌دهند یا به عده معینی که محل

و ثوق خود بدانند می‌دهند. در هر صورت هر چه زودتر عقاید خود را به مجلس شورای ملی به توسط دولت متبوعه اظهار دارند تا بر طبق آن عمل شود.

پس از آن که مجلس به ماده فوق تقریباً رأی داد از طرف ریاست مجلس به مقام ریاست وزراء باید کتباً ابلاغ شود. آنگاه دولت امر مجلس را که با سند کتبی ضبط نموده به وسیله متحدالمآل به تمام نقاط مرکزی ایالات و ولایات ابلاغ می‌نماید. در تحت نظارت نمایندگان دولت مراجعه به افکار عامه می‌شود و البته ملت ایران یعنی اهالی ولایات این حق بزرگ را به تمام مجلس نخواهند داد که وسیله مهمل‌سراییی اشخاص نالایق بشود و به علاوه مجبور باشند که در مجلس علنی مذاکره نمایند و مطالب عمده را در مجلس علنی نمی‌توان حل نمود. اگر این حق را به مجلس بدهند موجب محذور [محذور] شدید خواهد شد زیرا که به موجب قانون تصمیمات مجلس وقتی عملی و رسمی خواهد بود که در مجلس علنی باشد و در مجلس علنی هم که معرض و میدان عوام‌فریبی و یاوه‌سراییی است نمی‌شود قانون اساسی نوشت.

عیب دیگر مجلس این است وقتی که این حق به مجلس داده شد مجلس خودش هیئت مؤسسه خواهد شد و از وظایف مجلس و جریان امور عادی باز خواهد ماند ممکن است دولت کارهایی داشته باشد که باید سریعاً از مجلس بگذرد.

با دلایل مذکور ممکن است تمام ایالات به دوازده نفر معین این حق را بدهند یا اینکه ایالات مهم به دو نفر از وکلای خودشان و سایر ولایات به یک نفر که مجموع منتخبین از بیست نفر تجاوز ننماید و از دوازده نفر کمتر نباشد. پس از آنکه عده مؤسسه را اهالی ولایات معرفی کردند دولت به مجلس می‌فرستد و خودش ابدأ دخالت نمی‌نماید و مشغول حفظ انتظامات مملکتی و اجرای امور عادی و ارسال لوایح لازمه به مجلس می‌شود.

در آن وقت هیئت مؤسسه تشکیل می‌شود، قوانین اساسیه را تدوین می‌نماید و تمامی مؤسسين امضاء می‌کنند و به عموم ایالات و ولایات به توسط دولت ابلاغ می‌شود. آنگاه مجلس مشروطه را تبدیل به مجلس جمهوری می‌نماید. به علاوه، وکلایی که قانون جدید تعیین نموده است و مجلس جمهوری در اولین جلسه رسمی به انتخاب رئیس جمهوری به رأی مخفی اقدام می‌نماید [و] پس از تعیین رئیس و نایب رئیس به مبارکی به عمل می‌پردازد.

## ۲۵

## ریاست وزراء

فوری

نمره ۴۱۰۶

به تاریخ ۱۸ برج حمل ۱۳۰۳

ریاست محترم مجلس شورای ملی

مدتهاست خسته هستم و برای کناره‌جویی در خود رغبتی زیاد احساس می‌کردم ولی اجرای این نیت به نظر این جانب موقوف به این بود که موضوع صلاحیتدار و مرکز ثقلی برای مملکت آماده باشد که وضعیات در غیبت این جانب بتواند مدار خودش را تعقیب نماید. واقعاً همین منظور بود که مرا به سرعت افتتاح مجلس علاقه‌مند ساخت. اینک مجلس رسماً باز و خستگی مرا ملزم می‌نماید که فکر دیرین خود را اجرا نمایم. این است به وسیله این مراسله رسماً کناره‌جویی خود را به اطلاع مجلس شورای ملی می‌رسانم. در غیبت این جانب ارکان حرب کل قشون به امورات لشکری رسیدگی خواهد نمود.

رضا

[۸۵۰-۱۴۴م]

